اعتماد

یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۱
۲۸ رجب ۱۴۴۴
۱۹ فوریه ۲۰۲۳
سال بیستم
شماره ۵۴۲۹
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

ETEMAD Sun □ 19 Feb 2023 □ vol. 20 □ No. 5429 □ 12 Pages □ 100000 Rials

رهبر انقلاب در دیدار مسوولان، سفیران کشورهای اسلامی و شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن:

علت اصلی ایران‌هراسی حمایت صریح از فلسطین است

۲

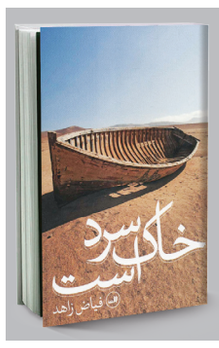

درباره کتاب «خاک سرد است» نوشته فیاض زاهد

رمانی در حکم تاریخ انقلاب و جنگ

۷

«اهل خانه» در مقابل مداخله‌جویان

آیا براندازان طرفدار مداخله خارجی دوباره نارضایتی‌ها را گروگان می‌گیرند یا اصلاح‌جویان می‌توانند اعتراضات را به کانال‌های سیاسی برگردانند؟

متین غفاریان | ۱۰ روز میانی بهمن‌ماه شاهد تحولات تند و سریعی در عرصه سیاسی ایران بود؛ هم از سوی اپوزیسیون و هم از سوی حاکمیت. چهره‌های مهم اپوزیسیون داخل کشور بعد از مدت‌ها سکوت یکایک به سخن درآمدند. ۵ ماه پیش با درگذشت مهسا امینی در زمان بازداشت در پلیس امنیت اخلاقی، اعتراضات تعداد پرشماری از شهرهای ایران را در برگرفت. با امنیتی شدن فضای داخل، اپوزیسیون داخل کشور سکوت کرد. معدود چهره‌هایی که در حد اکانت‌های توییتری به وضعیت اعتراض کردند، احضار یا بازداشت شدند. به نظر می‌رسید که سیاست کشتی‌بان سکوت سیاستمداران است تا نهادهای امنیتی و انتظامی وضع را «جمع» کنند.

در سکوت اپوزیسیون داخل کشور، زمین بازی کاملا در اختیار اپوزیسیون برانداز خارج‌نشین قرار گرفت. به اتکای دست‌کم سه شبکه تلویزیونی و ده‌ها وب‌سایت و لشکری از سایبری‌ها در شبکه‌های اجتماعی، اپوزیسیون خارج از کشور بر موج اعتراضات مردمی سوار شد. این لشکریان در مسیر خود برای رسیدن به خیابان‌های تهران و گروگان گرفتن اعتراضات مردمی تقریبا هیچ مانعی نداشتند؛ راه برای‌شان باز بود و تنها معدودی اکانت سایبری وابسته به نهادهای خاص در برابرشان قرار داشتند؛ گردانی ناکارآمد که فعالیت‌هایش اغلب به عصبانی‌تر شدن معترضان می‌انجامید تا اینکه آنها را قانع کند.

ادامه در صفحه ۲

اپوزیسیون داخلی خشونت پرهیز که معتقد به اصلاح امور توسط «اهل خانه» است در برابر اپوزیسیون خارجی قائل به براندازی به واسطه مداخله نیروهای خارجی / طرح علیرضا غلامی

درباره ایران بدون مقامات ایرانی

کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۳ در شرایطی برگزار شد که جنگ اوکراین و موضوعاتی مربوط به ایران از جمله موضوعات مهم مطرح شده در نشست بودند

۴

مدفون شده در برف

گزارش «اعتماد» از محاصره‌شدن روستاهای کوهرنگ در برف/ ۱۱۰ خانه تخریب شده‌است

۱۱

در بازار گوشت قرمز چه خبر است؟

جهش عجیب قیمت دام زنده در یک هفته

۹

سلام بر آینده

از همان دست که دادید می‌گیرید

مگر انصاف داشتید که حالا انتظار منتقد منصف دارید

عباس عبدی

یکی از مقامات دولت گفته بود که ما مخالفان یا منتقدان منصف نداریم. شاید درست گفته باشد، ولی مگر در گذشته که خودتان در موضع منتقد دولت قبل بودید، انصاف داشتید که امروز انتظار انصاف از منتقدان و مخالفان خود دارید؟ مگر جز این است که آنچه را بر دیگران پسندیدید و رفتار کردید، امروز شاهد همان وضعیت علیه خود باشید؟ پس چیزی که عوض دارد گِله ندارد. در ادبیات فارسی از این نوع ضرب‌المثل‌ها فراوان است. چرا؟ به دلیل رواج اینگونه انتظارات نامعقول. نگاهی به نقدهایی که علیه دولت روحانی می‌کردید و وعده‌هایی که می‌دادید، بیندازید، ماجرا روشن خواهد شد. کافی است سری به توییتر بزنید؛ تازه در آن زمان از مصونیت هم برخوردار بودید و کسی نمی‌توانست بگوید بالای چشم شما ابروست و فراتر از نقد، چوب هم لای چرخ می‌گذاشتید، آن هم چه چوبی! حالا که خوشبختانه به هر دلیلی کسی یا جرات چنین کارهایی را ندارد یا آنقدر انصاف دارند که چنین رفتاری را پیشه نکنند. با این مقدمه بد نیست که به برخی از آن رفتارها اشاره شود. اول مساله ارزپاشی و فروش ارز فردایی و تثبیت نرخ ارز است. همه می‌دانیم که سیاست ارز ۴۲۰۰ اشتباه بود. البته بنده در عین اشتباه دانستن آن معتقدم، دولت روحانی به علت مواجهه با شکاف بزرگ درون ساختاری می‌ترسید که سیاستی جز این را اتخاذ کند، ضمن اینکه امید داشت زود از آن بحران رد شود و مهم‌تر اینکه سال بعد خواست بساط آن ارز را جمع کند، اما به دلیل اتفاقات آبان ۱۳۹۸ که ریشه در همان شکاف درون ساختاری داشت، به‌طور کلی ترسید و این ایده را کنار گذاشت. هیچ کدام از این موانع در دولت جدید وجود نداشت. یعنی نه به حل برجام معتقد بودند، نه شکاف درون حکومتی داشتند و نه شکی در اشتباه بودن این سیاست وجود داشت. نتیجه چه شد؟ حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و تثبیت نرخ ۲۸ هزار تومانی و ادامه سیاست قبلی در نرخ جدید، به‌طوری که اکنون اختلاف قیمت به حدود ۲۰ هزار تومان رسیده، یعنی به همان اندازه قبلی و از همه مهم‌تر اگر ارز ۴۲۰۰ تومانی برای چند قلم کالای محدود بود، ارز کنونی هیچ محدودیتی ندارد.

ادامه در صفحه ۸

سیاست‌ورزی در روزگار مرگ سیاست (۴)

گزینش خشت کج تبعیض شهروندی

جامعه ایرانی در مواجهه با گزینش‌های غیرمتعارف مشکلات عدیده‌ای دارد

عباس آخوندی

اخیرا قطع ارتباط استخدامی فوری با تعدادی از معلمان در میانه سال تحصیلی، همچنین ممانعت‌هایی که برای ادامه قرارداد یا فعالیت آموزشی تعدادی از استادان دانشگاه‌ها به‌وجود آمد، موضوع گزینش را مجددا مورد بحث اصحاب رسانه قرار داد. خانم معلمی به تسنیم اعلام می‌کند که «پس از قبولی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش، فرآیند گزینش اواخر شهریور امسال انجام شد و همان ایام به ما گفتند اگر در گزینش رد شوید تا هفته دوم مهر اطلاع‌رسانی خواهد شد اما در کمال تعجب اواسط آبان با بنده تماس گرفته و گفتند که کسر امتیاز دارید باید مجدد گزینش شوید. متاسفانه امسال برای مسائل جزیی افراد را رد گزینش کرده‌اند؛ مسائلی همچون فتوشاپ در عکس پرسنلی، دیده‌شدن ریشه مو، عدم حضور در نماز جمعه یا شرکت نکردن در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته». این خانم معلم اعلام می‌کند که بابت ۴ ماه حضور در مدرسه روستایی هنوز حق‌الزحمه‌ای نیز دریافت نکرده است. با توجه به اینکه این مساله دارای سابقه پیشینی بوده، موضوع از سوی خبرنگار اجتماعی تسنیم پیش و پس از این خبر نیز پی گرفته می‌شده است و بر اساس بررسی سریع من دو گزارش ارزشمند و حرفه‌ای در این باره انتشار یافته که توجه مرا به خود جلب کرد. علاقه‌مندان می‌توانند به آن دو گزارش مراجعه کنند. به هر روی، مدیرکل دبیرخانه هیات مرکزی گزینش وزارت آموزش و پرورش اعلام می‌دارد که «برخی افراد دچار مشکل شدند البته برای رفع مشکل در تعامل هستیم اما افرادی که صلاحیت ندارند بدون اغماض باید از کلاس درس خارج شوند». بیانی به غایت توهین و تحقیرآمیز! البته این موضوع تاریخی طولانی دارد. در سال‌های آغازین انقلاب که هر روز انقلابی در انقلاب در دستور کار بود، از جمله مساله‌های طرح‌شده تصفیه و انقلاب اداری بود. در این بستر و به منظور پاکسازی ادارات مفهوم گزینش نیروی انسانی متعهد در ادارات به میان آمد و بر اساس آن هیات‌های گزینش در دوایر مختلف تشکیل شدند. رفتار برخی از این هیات‌ها به‌قدری دور از شأن، منطق و تدبیر بود که امام(ره) در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۶۱ یعنی دقیقا چهل سال پیش، طی پیامی تمام آنها را منحل اعلام کردند. پیام ایشان با این عبارت آغاز می‌شود «اخیرا چند کتاب به عنوان سوالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متاسف شدم از آنچه در این کتاب‌ها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام، این دین انسان‌ساز الهی، برای گزینش عمومی مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده‌اند. این نوشته‌ها که مشحون از سوالات غیر مربوط به اسلام و دیانت و احیانا مستهجن و اسف‌آور است از آنجا که به اسم دیانت اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت جمع‌آوری و فروش و خرید و نشر آنها را ممنوع شرعی اعلام نمایند» و در ادامه در بند ۱ آن اعلام می‌دارند که «تمام هیات‌هایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده‌اند، منحل اعلام می‌نمایم، چه در قوای مسلح یا در وزارتخانه‌ها و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه‌ها، تمام آنها منحل است». به‌رغم این عتاب شدید، اصل نهاد گزینش و گزینش داوطلبان بر مبنای یک‌سری معیارهای کیفی غیرقابل راستی‌آزمایی عمومی چون التزام به احکام شرعی، اعتقاد به ولایت فقیه و قانون اساسی و در مواردی عدم سابقه وابستگی به گروه‌های غیرقانونی از میان نرفت و افزون بر این، حق رد صلاحیت شهروندان برای استخدام در دولت به ارزیابی شخصی چند تن تحت عنوان هسته‌های گزینش داده شد. چرا؟ زیرا گفتمان دوگانه تعهد/تخصص که توجیه‌گر این تبعیض آشکار بود و هست، مشروعیت خودش را از دست نداد و همچنان شهروندان را به درجه یک و دو تقسیم می‌کند. در نتیجه نه تنها هیچ‌یک از احزاب درون حاکمیت، شخصیت‌های برجسته سیاسی، نمایندگان مجلس و قضات عالیرتبه متعرض تضییع حقوق افراد نشدند که قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش در ۲۸/شهریور/۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۲۶/اردیبهشت/۱۳۷۵ بر اساس قانون تسرّی، همین قانون برای کارکنان تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی لازم‌الاتباع شد. در ماده ۲ این قانون آمده است که تمام کارکنان دولت باید حایز شرایط زیر به تشخیص هسته‌های گزینش سازمان‌های متبوع باشند.

ادامه در صفحه ۹

جامعه

روایت‌هایی از راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب

هر ایرانی با هر فکر و عقیده‌ای، باید پژواکی از صدای خود را در حاکمیت ببیند

مهدی مهدوی‌زاهد

شبِ ۲۲ بهمن بود که در نوشته‌ای ضمن بیان برخی انتقاداتِ «روشی» و «رویکردی» به سیاست‌گذاری‌های کلانِ اجتماعی؛ فرهنگی و سیاسی مانند کیفیت دسترسی به اینترنت، مساله حجاب و نحوه نظارت بر انتخابات که جملگی دلالت بر یکسان‌سازی و نه پذیرش «تکثر» واقعا موجود در جامعه ایران دارد؛ حمایتِ مبنایی و همدلی قلبی خودم از «اساس» جمهوری اسلامی را وضوحا تصریح کردم. بنیادِ این نظام همان گزاره‌های غیرقابلِ بازنگری، مطروحه در اصل ۱۷۷ قانون اساسی است که به نوعی این موارد را می‌توان جزئی از «اساسی» دانست که ملت ایران با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بنیان نهادند و نه تنها قانون اساسی که کل هنجارهای حقوقی، جلوه‌عینیت‌یافته آن تصمیم سیاسی تاریخی است. اما این اعلام مواضع که به طرزِ حیرت‌انگیز و عجیبی بازتاب یافته بودند، به سلسله‌ای از واکنش‌ها انجامید که مرا به این فکر فرو بُرد که در مواجهه با اختلاف فکرها «چه باید کرد؟» چرا جامعه و افرادش این‌قدر عصبانی و کوره‌ای از انزجار و نفرت شده‌اند؟ این امور برای کسانی که می‌اندیشند، عجیب هشداردهنده و تأمل‌آفرین است، زیرا این میزان شقاق و تضادِ اجتماعی و این درجه از شکاف و گسل بین آحاد جامعه، در دهه‌های اخیر تقریبا بی‌سابقه است؛ حتی در وقایع بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ هم این سطح از قطبی شدن جامعه دیده نمی‌شد. این قطبیت در دو سوی ماجرا با چشم غیرمسلح علمی هم رویت می‌شود. شخصا در همه سال‌هایی که در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی شرکت کردم، هرگز چنین تراکم جمعیتی مانند امسال را ندیده بودم اما این حضورِ بی‌سابقه، مستند به حدود پنج ساعت مردم‌نگاری که در خیابان‌های تهران داشتم، اکثریتِ قریب به اتفاق، فقط از اقشار مذهبی و دیندار مردم بودند و در طرف دیگر نیز، هرگز این میزان از تندخویی از طرف منتقدان، معترضان و مخالفان را شاهد نبودم که بعضا در گفت‌وگوهایی که با برخی از آنها داشتم، حتی شهادت مظلومانه آرمان علی‌وردی عزیز و...

ادامه در صفحه ۹

دیپلماسی

بازگشت به مسیر اصلی

عدم‌احیای برجام بیشترین و مستقیم‌ترین هزینه را بر ایران تحمیل کرد

ساسان کریمی

در سال‌های اخیر و با توجه به کانونی شدن موضوع هسته‌ای و به تبع آن تحریم‌های اعمالی علیه ایران، اصل مساله دیپلماسی به مثابه راهکار حل مساله به موضوع اختلافی بین گرایش‌های مختلف سیاسی در کشور تبدیل شده است: پرسش اساسی در این باب این است که آیا دیپلماسی یک امر ضمنی و حاشیه‌ای است که می‌بایست به صورت شکلی جریان داشته باشد یا نوک پیکان سیاست خارجی کشور و به خصوص با توجه به شرایط کنونی ایران راهکار اصلی حل مساله است؟ البته حتی در سطحی عمیق‌تر اینکه متغیر مستقل و وابسته در مسائل و چالش‌های اساسی کشور چیست خود موضوع بحثی بود که در انتخابات گذشته مطرح شد ولی با توجه به عدم احیای برجام در دولت جدید، به‌رغم وجود مشکلات در دیگر ساحت‌ها، هر روز بیش از گذشته حتی نزد اهالی موافق با دولت سیاست خارجی به عنوان گلوگاه اصلی حل مساله در کشور به رسمیت شناخته می‌شود. با این همه پرسش قبلی هنوز پابرجاست: مشکل تحریم‌ها را می‌بایست با رفع آنها مرتفع کرد یا همکاری با دیگر کشورها در عین وجود تحریم‌ها میسر و مشکل‌گشاست؟ و اینکه آیا احیا برای رفع تحریم‌ها باید دیپلماسی را به عنوان ابزار اصلی مورد استفاده قرار داد یا دید ما نسبت به دیپلماسی حداقلی و در حد رعایت مناسبات شکلی است؟ پاسخ‌های مختلف به این پرسش‌ها می‌تواند در اتخاذ راهکارها تفاوت معناداری ایجاد کند: اگر دیپلماسی امید اصلی کشور برای رفع تحریم‌ها باشد انتخاب دیپلمات کارکشته لاجرم است، وگرنه صرف رعایت مناسبات شکلی و ابراز مواضع نیازی به متخصص این حرفه ندارد. دیگر آنکه ابتکار عمل و پیشاهنگی دیپلماسی نیازمند خلاقیت و پیش و بیش از آن نیازمند اختیارات و حمایت است.

ادامه در صفحه ۳

آموزش

واکنش سیستم آموزشی در برخورد با دو اتفاق

بانیان آموزش کشور هم در حفظ سلامت و هم در پرورش و تربیت، مردود شده‌اند

غزل لطفی

ماجرای اخراج معلم مازندرانی و مسمومیت دانش‌آموزان قمی، در روزهای گذشته در صدر مباحث آموزشی کشور بوده‌اند و به عقیده بنده وزارت آموزش‌وپرورش در مدیریت هیچ کدام کارنامه موفقی نداشته است که در ادامه دلایلی را مطرح خواهم کرد.

۱- مسمومیت دانش‌آموزان قمی: اگر اخبار را در این اتفاق دنبال کنیم؛ وزارت آموزش و پرورش از ابتدای وقوع حادثه درصدد بود تا موضوع را کم‌اهمیت، اضطراب و ترس دانش‌آموزان و اولیا و بازی رسانه‌ای معرفی کند. در حالی که اگر از ابتدا با شفافیت اعلام می‌کردند که مسمومیت حتی یک دانش‌آموز بسیار مهم است و در کنار پدران و مادران و فرزندان آسیب‌دیده ایستاده بودند حتما جوی آرام‌تر پدید می‌آمد و پروسه علت‌یابی هم زودتر شروع شده و به نتیجه می‌رسید، اما متولیان آموزش کشور راه تکذیب اهمیت این ماجرا را آنقدر ادامه دادند که رشته کار از دست‌شان خارج شد و جامعه شروع به گمانه‌زنی کرد. دست آخر هم وزیر آموزش‌وپرورش پس از بارها با اعلام اینکه موضوع مهمی رخ نداده، مجبور شد نهایتا در ملاقات با دانش‌آموزان آسیب‌دیده از پیشامد این اتفاق عذرخواهی کند و خبر از فعالیت کمیته علت‌یاب داد. در این موضوع علاوه بر اینکه سلامت فرزندان ایران در ابتدا کم‌اهمیت جلوه داده شد -که این خود چالشی بزرگ برای بزرگ‌ترین سیستمی است که ما باید با اطمینان کامل کودکان خود را به او بسپاریم- نحوه برخورد با این رخداد هم به فرزندان ما که باید آموزش‌پذیر این سیستم باشند، این پیام را می‌دهد که در مواجهه با دشواری‌ها راه انکار و تکذیب و کم‌اهمیت جلوه دادن موضوعات را دنبال کنند!!! که در هر دو مبحث حفظ سلامت و پرورش و تربیت، بانیان آموزش کشور مردود شده‌اند، چون شفافیت، علت‌یابی و راه‌حل پیدا کردن برای آنها در درجه اول اهمیت نبود که اگر بود در دو ماه گذشته به جای فرافکنی، علل حادثه اعلام شده بود.

۲- اخراج معلم قائمشهری: در مبحث اخراج معلم مازندرانی اما برخورد سریع بود، سرعتی که اجازه هر گونه تفکر به عواقب این تصمیم را می‌گرفت.

ادامه در صفحه ۹

همبستگی اجتماعی را با کاهش مصرف گاز افزایش دهیم

۱۸-۲۱ دمای مطلوب زندگی

#درست_مصرف_کنیم

روزنامه اعتماد